

بلندی‌های بادگیر

امیلی برونته

مترجم:

برجس عابدی



انتشارات سحر گل

«امیلی جین برونته» در سال ۱۸۱۸، در یورک‌شایر انگلستان متولد شد و پدرش، پاتریک برونته، که یک کشیش ایرلندی بود، بعد از فوت همسرش، فرزندان را به تنهایی و زیر سایه‌ی تعصبات و شیوه‌های خاص تربیتی خودش بزرگ کرد. پدرش او، «شارلوت»، «ماری» و «الیزابت» را در مدرسه‌ی شبانه‌روزی راهبه‌ها فرستاد، ولی پس از آن که دو دختر نگر به بیمارستان مبتلا شدند و مردند، امیلی و شارلوت به خانه برگشتند. در محرومیت زندگی روی خوش خود را به امیلی و خانواده‌اش نشان نداد و در زمان حیاتشان دست به هرکاری زدند، حاصلی جز شکست و ناامیدی برایشان نداشت. نتیجه‌ی این شکست‌ها را می‌توان در گوشه و کنار رمان بلندی‌های بادگیر دید.

و اما بلندی‌های بادگیر (Wuthering Heights) (مصادف انگلیسی) اولین و آخرین رمان امیلی برونته است که هرچند در زمان انتشارش استقبال چندانی از آن به عمل نیاورد، اما بعدها ظرافت، زیبایی‌ها و توصیفات فوق‌العاده‌ی این اثر توجه همگان را به خود جلب کرد و به مرور زمان این کتاب را در زمره‌ی یکی از شاهکارهای بی‌نظیر ادبیات کلاسیک جای داد. داستان این کتاب از آن جایی آغاز می‌شود که آقای لاکوود عمارت تراش کراس گرینچ را اجاره می‌کند تا یکی از پسران را به دور از هیاهوی شهری سپری کند. اما موقعی که برای ملاقات صاحب‌خانه‌اش، آقای هیث‌کلیف، به عمارت واترینگ هایتز می‌رود، زندگی این مرد روستایی و عبوس و دیگر اهالی کج‌خلق آن خانه برایش جذاب می‌شود و در پی حوادثی که آن‌جا برایش اتفاق می‌افتد، بعد از بازگشت به خانه از خدمتکار خود، نلی دین، تقاضا می‌کند سرگذشت هیث‌کلیف و دیگر افراد ساکن در واترینگ هایتز را برایش شرح دهد. در طول داستان رفته‌رفته

متوجه می‌شویم که هیث‌کلیف از عشق لایتناهی و نافرجام خود به کاترین و هم‌چنین به‌خاطر کینه‌ای که از دیگر شخصیت‌های داستان به دل گرفته، به چه موجود سنگدل و بی‌رحمی تبدیل می‌شود، به‌گونه‌ای که تمام فکر و ذکرش در یک کلمه، یعنی انتقام خلاصه می‌شود. در اصل‌های آخر داستان از زبان خودش می‌شنویم که این همه سال نقشه کشیدن برای انتقام ثمری جز...

نیمی از داستان مستقیماً از زبان خود آقای لاک‌وود بیان می‌شود و نیمی دیگر از زبان نلی دین برای لاک‌وود نقل می‌شود و لاک‌وود هم آنها را به خواننده انتقال می‌دهد. شخصیت‌ها و فضای داستان امیلی برونته الهام گرفته از زندگی سخت او و اعضای خانواده‌اش بود (به‌عنوان مثال برادرش که در کبر بیمار شد، سخت‌گیری‌های بی‌اندازه‌ی پدرش، غم، رنج‌ها و شکست‌های او خوانانش در زندگی و ...). نویسنده که هیچ‌گاه پسرانه‌ی‌های ایام کودکی‌اش را در خاطراتش از اطراف خانه‌اش از یاد نبرده بود، به وفور از این فضا در داستان استفاده کرده است.

امیدوارم از خواندن سطر سطر این رمان بی‌همتا و توصیفات ریزبینانه و دقیق نویسنده‌ی اثر، نهایت لذت را ببرید. حوادث تلخ داستان نه تنها خواننده را دلزده نمی‌کند، بلکه رغبت و کسب به‌سزای ایجاد می‌کند تا از ادامه‌ی ماجرا مطلع شود و تردیدی نیست که این امر را بدون قلم شیوا و پرنغز نویسنده هستیم.

در انتها جا دارد از خانواده‌ام، به‌خصوص همسر و دختر عزیزم قدردانی و بزمای داشته باشم، چراکه در مدت ترجمه‌ی این کتاب، با صبر و شکیبایی بی‌مثال حضور شبح‌وار مرا در خانه تاب آوردند.